

دانشگاه

چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۴

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY

دانشگاه

دانشگاه (به معنی «محل آموختن علم و فن» یا «محل آموختن و پرورش دانشمندان و متخصصان») نهادی است که در آن به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید آموخته می‌شود. دانشگاه‌ها معمولاً دارای مراکز آموزشی و پژوهشی هستند که به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید را آموخته و به‌طور منظم و سیستماتیک به دیگران منتقل می‌کنند. دانشگاه‌ها همچنین مراکز پژوهشی هستند که به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید را آموخته و به‌طور منظم و سیستماتیک به دیگران منتقل می‌کنند. دانشگاه‌ها همچنین مراکز پژوهشی هستند که به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید را آموخته و به‌طور منظم و سیستماتیک به دیگران منتقل می‌کنند.

دانشگاه‌ها معمولاً دارای مراکز آموزشی و پژوهشی هستند که به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید را آموخته و به‌طور منظم و سیستماتیک به دیگران منتقل می‌کنند. دانشگاه‌ها همچنین مراکز پژوهشی هستند که به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید را آموخته و به‌طور منظم و سیستماتیک به دیگران منتقل می‌کنند. دانشگاه‌ها همچنین مراکز پژوهشی هستند که به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید را آموخته و به‌طور منظم و سیستماتیک به دیگران منتقل می‌کنند. دانشگاه‌ها همچنین مراکز پژوهشی هستند که به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید را آموخته و به‌طور منظم و سیستماتیک به دیگران منتقل می‌کنند. دانشگاه‌ها همچنین مراکز پژوهشی هستند که به‌طور منظم و سیستماتیک، دانش و فن‌های جدید را آموخته و به‌طور منظم و سیستماتیک به دیگران منتقل می‌کنند.

تاریخچه

سخنرانی مهم رهبر انقلاب پاسخی صریح به نامه اخیر آمریکایی‌ها بود

هشدار به طراحان نسل‌کشی در غزه



باید کاری کنند که نخیه احساس کند مفید است، احساس مفید بودن بکند. یکی از علل همین مهاجرت‌ها و رفتن‌هایی که حالا مطرح است در دهن‌ها و روزنامه‌ها - و بعضی‌ها هم یک خرده مبالغه‌آمیز حرف می‌زنند در این زمینه - این است که این نخیه احساس می‌کند که اینجا کاری ندارد. بنده در تذکرات قبلی گفته‌ام یک فرد نخیه دو توقع از دستگاه مدیریت کشور دارد؛ یکی اینکه یک اشتغالی داشته باشد، مشغول باشد، کار کند. دوم اینکه امکان تادام مطالعات و تحصیلات داشته باشد. یکی از چیزهایی که جاذبه بیرون رفتن نخیه‌ها است این است که آنجاها امکان تحقیقات و پیشرفت‌ها و مانند اینها وجود دارد؛ این امکان را و اشتغال را اینجا برایشان فراهم نکنیم. من امروز می‌خواهم بگویم [اگر] توقع نخیه را خلاصه کنیم، می‌شود اینکه نخیه می‌خواهد احساس کند که در کشور مفید است.

راه‌هایی وجود دارد برای این کار. حالا امروز خوشبختانه دو سه رتبه صحبت این شرکت‌های دانش‌بنیان شد، من هم همین را یادداشت کرده‌ام؛ یکی از بهترین راه‌هایی که نخیه احساس کند مفید است تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان است. شرکت‌های دانش‌بنیان، هم پیشرفت اقتصادی به کشور می‌دهد، هم نشاط در کشور ایجاد می‌کند، هم پیشرفت علمی به کشور می‌دهد، هم نخیه‌ها را حفظ می‌کند و از وجود نخیه‌ها برای کشور استفاده می‌شود. بنابراین، من تأکید می‌کنم که شرکت‌های دانش‌بنیان را تقویت کنید. و یکی از راه‌های تقویت این است که محصولات این شرکت‌ها دیگر از خارج وارد نشود. در همین اواخر، چند گزارش شکایت‌آمیز به من شد که شرکت دانش‌بنیان می‌گوید «ما این محصول را تولید می‌کنیم، فلان دستگاه اداری که مصرف‌کننده این محصول است، این را از خارج وارد می‌کند؛ چرا؟ باید یاد بگیریم، عادت کنیم. بخصوص دستگاه‌های دولتی که غالباً جزء مشتری‌های مهم این محصولات هستند. که از محصول داخلی استفاده کنیم. این مساله که این همه تکرار می‌شود، اولین مخاطبش خود ما هستیم، خود مسئولان هستند، دستگاه‌های دولتی هستند، دستگاه‌های حکومتی هستند؛ اینها بایستی از محصولات داخلی استفاده کنند و در درجه اول از همین محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان.

خب، عریض‌ما تمام شد. یک مطلب کوتاه، یک کلمه، درباره قضایای جاری فلسطین و غزه عرض می‌کنم. در قضیه فلسطین، آنچه جلوی چشم همه دنیا است جنایت نسل‌کشی رژیم غاصب است؛ این را همه دنیا دارند مشاهده می‌کنند. مسئولان بعضی از کشورها که با مسئولان کشور ما صحبت کردند، در دفاع از رژیم غاصب صهیونیستی، اعتراض‌شان این بوده که چرا فلسطینی‌ها غیرنظامی‌ها را کشتند. اولاً این حرف، خلاف واقع است؛ یعنی اصلاً اینهایی که در شهرک‌ها و مانند اینها هستند غیرنظامی نیستند، همه مسلحند. حالا گریوم غیرنظامی [باشند]؛ چه تعداد غیرنظامی کشته شدند؟ صد برابر آنها را الان رژیم غاصب از زن و بچه و پیر و جوان غیرنظامی دارد می‌کشد. داخل این ساختمان‌های غزه که نظامی‌ها ساکن نیستند - نظامی‌ها جاهای خودشان هستند، آنها هم می‌دانند - اینها هم مدیریت مراکز پرجمعیت را انتخاب می‌کنند و می‌زنند. فلسطینی‌ها در غزه، در همین چند روز، چند هزار نفر[را] تا حالا کشته داده‌اند! این جنایت جلوی چشم همه مردم دنیا است. اینها باید محاکمه بشوند؛ دولت غاصب رژیم صهیونیستی امروز قطعاً باید محاکمه بشود؛ آنها باید محاکمه بشوند، دولت آمریکا هم بایستی مسئولیت خودش را در این قضیه بشناسد.

آن طوری که اطلاعات متعدد به ما می‌گوید، سیاست جاری این روزها، یعنی همین هفته اخیر داخل رژیم صهیونیستی را آمریکایی‌ها دارند تنظیم می‌کنند؛ یعنی سیاستگذار، آنها هستند و این کارهایی که دارند انجام می‌گیرد سیاست آمریکایی‌ها است. آمریکایی‌ها مسئولیت خودش را مورد توجه قرار بدهند؛ مسئولند. بمباران‌ها باید فوراً قطع بشود. ملت‌های مسلمان عصبانی‌اند، جدا عصبانی‌اند؛ نشانه‌هایش را شما دارید می‌بینید؛ اجتماعات گروه‌های مردم، نه فقط در کشورهای اسلامی، [بلکه] در لس‌آنجلس، در هلند، در فرانسه، در کشورهای اروپایی؛ در کشورهای غربی، مردم اجتماع می‌کنند. مسلمان و غیرمسلمان - در کشورهای اسلامی هم که روشن است. مردم عصبانی‌اند. اگر چنانچه این جنایت ادامه پیدا کند، مسلمان‌ها بی‌تاب می‌شوند، نیروهای مقاومت بی‌تاب می‌شوند، دیگر کسی جلوی اینها را نمی‌تواند بگیرد؛ این را بدانند. [بعدها] از کسان‌ی توقع نکنند که «نگذارید فلان گروه، فلان کار را بکنند؛ کسی نمی‌تواند جلوی اینها را بگیرد وقتی بی‌تاب شدند، این یک واقعیتی است که وجود دارد. البته رژیم صهیونیستی هر کار هم بکند، جریان شکست مفتضحانه‌ای را که در این قضیه خورد نخواهد توانست بکند. خب، جمله آخر را شما بیان کردید دیگر؛ ممنون.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته



هم از علم‌تان به نفع مردم استفاده کنید، هم از اعتباری که این علم به شما داده به نفع مردم استفاده کنید. گاهی یک عالم می‌تواند از اعتباری که در جامعه دارد، در زمینه‌ای غیر از زمینه علم خودش و تخصص خودش به سود مردم استفاده کند. این مسئولیت هست، شما اگر در دانش هسته‌ای، دانش پزشکی، فیزیک، مدیریت یا هر دانش دیگری یک رتبه علمی‌ای به‌دست آوردید، این طبعاً برای شما در هر دو جهت مسئولیت ایجاد می‌کند؛ یعنی هم خود آن دانش در خدمت به مردم باید قرار بگیرد و هم آن اعتباری که شما به خاطر این علم پیدا می‌کنید. این جمله معروف امیرالمومنین (علیه‌السلام) در این زمینه، حرف را تمام می‌کند: *وَ ما أَخَذَ اللهُ عَلى العُلَماءِ الا لِیَقرؤا علی کَیْفَ ظالمٍ وَ لا تُسَبِّحَ مَظلومٍ*؛ یعنی خدای متعال این تعهد را از علما گرفته، از دانشمندان گرفته که در این زمینه تحمل نکنند «کَیْفَ ظالم و «تَسَبِّحَ مَظلوم» را؛ نباید تحمل کنند پرخوری ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده را؛ *الا لِیَقرؤا*. باید عکس‌العمل نشان بدهیم، واکنش نشان بدهیم. امروز، در قضیه غزه، [این وظیفه] واکنش بر دروش همه ما وجود دارد؛ باید واکنش نشان بدهیم؛ عده‌ای گرسنه‌اند، عده‌ای زیر بمبارانند، عده‌ای دارند صدمات صدمات به شهادت می‌رسند. در این جبهه‌بندی‌های متعددی که وجود دارد در سطح جهان، در سطح کشور، عالم چه عالم دانشگاه، چه عالم حوزه، باید اولتلافی کند حق را بشناسد، حق مشخص بشود، در کنار حق بایستد؛ بی‌تفاوتی، نگاه کردن بی‌تفاوت، برای عالم و دانشمند جایز نیست.

نکته بعدی درباره این شیوه عملیاتی رایجی است که چند بار هم بنده درباره آن صحبت کرده‌ام و آن، مساله مقالات علمی است. بنده در این زمینه تا حالا دو سه مرتبه بحث کرده‌ام. من تصور می‌کردم تذکراتی که قبلاً داده شده کفایت کرده، یعنی کار را درست کرده، [اما] شنیدم این جور نیست. مقاله علمی را شرط ارتقای هیات علمی قرار دادن، به نظر من هیچ منطقی ندارد؛ یعنی واقعاً انسان نمی‌تواند این را هضم بکند. بنده در اینکه ما در مسابقه علمی دنیا باید سبیم باشیم، شریک باشیم، شرکت کنیم، تردیدی ندارم، حتماً این کار باید انجام بگیرد؛ اما اینکه ما همه استاید خردمان را و اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کشور خردمان را موظف کنیم که اگر می‌خواهید ارتقا پیدا کنید، باید بروید پیش فلان مجله معروف دنیا یا مرکز علمی دنیا امتحان بدهید. مقاله نویسی یعنی این دیگر؛ یعنی مشخص بشود رتبه علمی شما از نظر فلان مرکز چه رتبه‌ای است. من این را منطقی نمی‌بینم. بله، مقاله نویسی خوب است؛ اینکه تعدادی از استایده مبرز کشور در رشته‌های خاص خودشان تحقیقات بکنند، مقالات استنادی قابل توجه در مطبوعات معتبر دنیا و مراکز علمی دنیا منتشر کنند، بنده به این کاملاً موافقم، این کار باید انجام بگیرد؛ اما اینکه ما شرط ارتقا را مقاله قرار بدهیم، یعنی این را تعمیم بدهیم به کل [استاید]، این به نظر من کار منطقی‌ای نیست. البته مقاله‌های خوب می‌توانند شهرت و اعتبار علمی کشور را بالا بزنند؛ این هست، باید راه‌های مناسبی پیدا بشود و دستگاه‌های مدیریت علمی کشور راه‌هایی را [پیدا کنند] برای اینکه این شهرت و اعتبار علمی کشور در رتبه‌بندی‌های جهانی تزلزل نکند.

من درمورد مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها بارها عرض کرده‌ام که هدف مقالات علمی، مقالات پژوهشی و پایان‌نامه‌ها باید کمک به مسائل کشور باشد؛ هدف اصلی این است. فراموش نکنیم این نکته‌ای را که چند لحظه پیش گفتم؛ حضور در مسابقات علمی جهانی لازم است، اما هدف واقعی این است که ما با این مقالات، با این پژوهش علمی، مشکلی از مشکلات کشور را حل کنیم. همین مسائلی که الان اینجا گفته شد و مطرح شد. مساله محیط زیست، مساله طب سنتی، مساله خوردو. اینها خب مسائل کشور است و صدها مساله از این قبیل وجود دارد؛ اگر بخواهیم از طریق علم، با روش علمی و عالمانه این مسائل را حل کنیم، احتیاج به همین مقالات و پژوهش‌ها است؛ پس باید مقالات ما، پایان‌نامه‌های دانشجویان ما، ناظر به این مشکلات باشد که آنها را حل کند. واقعا همه زمینه‌ها، از بهداشت و سلامت، مسکن، امنیت، تا تغذیه، خانواده، محیط زیست، تا اصلاح ساختارهای حکومتی. اصلاح ساختارهای حکومتی این یکی از موضوعات است. تا ارتباطات بین‌الملل، میدانی است برای کار علمی؛ کارهای علمی، تحقیقات علمی، این چیزها باشد. ما بایند نباشیم به کارهای روزنامه‌ای - به تعبیر فرنگی «ژورنالیستی» - که یک نفری برادر در یک روزنامه‌ای یک مقاله‌ای مثلا درباره ارتباطات بین‌الملل، درباره مسائل سیاسی و مانند اینها بنویسد؛ به اینها متکی نباشیم؛ کار علمی درستی انجام بگیرد.

نکته آخر در این باب، وظیفه مسئولان است. خب خوشبختانه اینجا آقایان وزرا و معاون محترم رئیس‌جمهور و مسئولان مختلف حضور دارند. آن چیزی که من می‌توانم به طور خلاصه در این باب عرض کنم این است؛ مسئولان



شما مجموعه نخیه‌ها - که حالا نمونه‌ای از آن مجموعه اینجا حضور دارید - انجام بگیرد. این عرض ما.

مطلب دوم، نکته دوم، درباره فرصت کنونی کشور ما است. بله، یک ملت دارای استعداد می‌تواند رشد کند، اما این جور نیست که همیشه فرصت رشد داشته باشد. من نمی‌خواهم نسبت به آینده سوءتفاهمی به‌وجود بیاید؛ نه، به‌نظر بنده آینده، آینده روشن و امیدبخشی است، افق، افق روشنی است؛ اما تجربه‌ها و گذشته‌های خود ما به ما می‌گوید که بایستی از حال استفاده کنیم، از وضع موجود و از فرصت موجود باید حداکثر استفاده را بکنیم. گاهی پیش می‌آید که در مسیر یک ملت، در هر بخشی؛ بخش سیاسی، بخش اجتماعی، بخش علمی، یک شیب‌های تندی پیدا می‌شود که اراده رفتن و صعود از این شیب‌ها وجود دارد. توالش وجود ندارد؛ گاهی این جوری است، چون زیرساخت‌هایی باید باشد که نیست، امکاناتی باید باشد که نیست؛ اراده هست، توان نیست. گاهی حتی اراده هم نیست؛ به خاطر پاس، به خاطر بدبینی به خود، به اعتقادی به توانایی خود یا نشناختن موقعیت. بنابراین، گاهی یک مواردی پیش می‌آید که اراده حرکت هم وجود ندارد. حتی گاهی مثل دوران طاغوت، پیشرفت را یا صعود از این شیب تند را اصلاً ناممکن می‌دانند. واقعا در دوره‌های گذشته ما یک مواردی اتفاق افتاده که می‌گفتند اصلاً ممکن نیست. آن داستان لوله‌نگ نخست‌وزیر زمان شاه معروف است، شنیده‌اید. آن وقتی که صحبت صنعت نفت و استقلال نفتی کشور و ملی کردن صنعت نفت شد. قبل از اینکه مصدق سر کار بیاید، مال زمان کردکی بنده است، اما من یاد هستم. آن وقت در مجلس شورای [ملی] آن روز یک اقلیتی بودند با سردمداری دکتر مصدق، اینها اصرار می‌کردند که ما بایست صنعت نفت را ملی کنیم؛ نفت ما دست انگلیس‌ها بود. [می‌گفتند] این را ملی کنیم. نخست‌وزیر آن روز کشور یک سخنرانی کرد و گفت «چه می‌گویند اینها که می‌گویند صنعت نفت را ملی کنیم؟ ملت ایران مگر می‌تواند نفت را اداره کند؟ ما یک لوله‌نگ، درست نمی‌توانیم بسازیم.» می‌دانید لوله‌نگ چیست؟ لوله‌نگ آفتابه گلی است؛ من دیده بودم؛ آن قدیم‌ها در بعضی از روستاها آفتابه درست می‌کردند، نه از مسس و مشلا حلبی و مانند اینها که معمول بود، [بلکه] از گل. می‌گفت «ما در حد آفتابه گلی. در حد لوله‌نگ هستیم؛ ایرانی [مگر] می‌تواند نفت را اداره کند؟» این، آن وقت معروف شد. حالا به آن روز چه یود که بنا بود اداره بشود؟ این پالایشگاه آبادان؛ آن چیزی که باید اداره می‌شد پالایشگاه آبادان بود. می‌گفتند ایرانی که نمی‌تواند پالایشگاه اداره کند. یعنی اعتقاد این بود. خب، پس مواردی این جوری پیش می‌آید؛ حالا به آن شدت نه، اما در مراحل گوناگونی اراده ضعیف می‌شود برای حرکت کردن.

امروز بنده به کشور که نگاه می‌کنم، به وضع عمومی کشور که نگاه می‌کنم، بحمدالله می‌بینم این مشکلات وجود ندارد؛ یعنی هم اراده حرکت وجود دارد، هم توانایی حرکت وجود دارد. [این «توانایی» که من می‌گویم شاعر نیست، این واقعیتی است. ما چند میلیون نتیجه‌کننده به این آمار آمار و اوضاع روشنی است. جوان دانش‌آموخته یا درحال دانش‌آموزی داریم، دانشجو داریم؛ چند میلیون! این ثروت چیز کمی است؟ و حالا اگر هم نگوییم همه، بسیاری [از آنها] بالانگیزه هستند، روحیه انقلابی در کشور وجود دارد، رسوخ دارد. همین بیاناتی که این چند جوان عزیز اینجا بیان کردند که «ما آماده هستیم، ما پیششهاد داریم»، اینها خیلی ارزشمند است. پس هم اراده هست، انگیزه هست، تصمیم هست برای پیشرفت، هم توانایی هست؛ خب از این استفاده کنیم. اگر از این فرصت وجود «خوامستن و توانستن» که امروز هست. استفاده نکنیم، ظلم کرده‌ام. چه کسی باید از این فرصت استفاده کند؟ هم مسئولان باید استفاده کنند، هم خود نخیه‌ها، هم خود مراکز علمی باید استفاده کنند؛ اگر نکنیم، ظلم کرده‌ایم؛ به کشورمان ظلم کرده‌ایم، به تاریخ‌مان ظلم کرده‌ایم. همه مسئولیم؛ بنده هم مسئولم، مسئولان دولتی و اجرایی هم مسئولند، شما جوان‌ها هم مسئولید، وزرای محترم دستگاه‌های علمی و مرتبطان مراکز علمی هم که مسئولیت دارند مسئولند. همه باید تلاش کنیم تا این حرکت علمی، این چیز جدیدی که بنده توقع دارم یعنی یک حرکت مبتکرانه، راه‌های میان‌بر، هست. جدید، خیزش جدید. اتفاق بیفتد. این مسئولیت بر دوش همه ما است.

به مناسبت ذکر مسئولیت، نکته سومی را من یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم و آن نکته این است که علم مسئولیت‌آور است، مثل همه دارایی‌های دیگر، مثل همه ثروت‌های دیگر. دارایی مسئولیت‌آور است؛ دارایی فکری، دارایی مالی، دارایی قدرت، اینها همه مسئولیت‌آور است. هر دارایی‌ای که خدای متعال به شما داده، در قبالتش مسئولیتی گماشته و قرار داده؛ علم هم ازجمله همین دارایی‌های ارزشمند است. [شما که] علم دارید، این علم، شما را مسئول می‌کند. «مسئول می‌کند، یعنی چه؟ یعنی باید،

بسم الله الرحمن الرحیم
و الحمد لله رب العالمین و الصلاۀ و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی آله الطّیّبین الطّاهرین المعصومین سیمّا بقیة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید. جدا جدا خوشحالم از اینکه یک‌بار دیگر توفیق پیدا کردم با جمعی از نخبگان کشور، این نشست را داشته باشیم. از مطالبی هم که دوستان گفتند تشکر می‌کنم؛ مطالب مهمی بیان کردند، نکات قابل توجهی ذکر کردند، منتها دو نکته را در مورد فرمایشات آقایان می‌خواهم بگویم. یکی اینکه تقریباً همه این مسائل - حالا شاید یکی دو موردش استثنا باشد - مسائل اجرایی است و مسائل اجرایی را بایستی دستگاه‌های اجرایی دنبال کنند. البته ما [هم] دنبال می‌کنیم؛ من سفارش می‌کنم این مطالبی که گفته شد تدوین بشود. احتمالاً خلاصه‌گیری بشود یا یک بررسی‌ای بشود و به آن مسئولان مربوط قوه مجریه اینها را منتقل می‌کنیم؛ منتها شما در ملاقات‌هایی که با مسئولان اجرایی کشور دارید - خوشبختانه فعالند؛ خوشبختانه ما امروز یک رئیس‌جمهور اهل کار، اهل پیگیری و دنبال‌گیری داریم - اینها را مطرح کنید تا ان‌شاء الله تحقق پیدا کند. این یک نکته.

نکته دوم این است که در یک دوره‌هایی، بین نخبگان و بین مسئولان دولتی یک فاصله‌های زیادی وجود داشت، [درحالی‌که] امروز این جور نیست. امروز عده زیادی از امثال همین شما جوان‌ها در مدیریت‌های قابل توجه دولت حضور دارند، چه در سطح وزارت، چه در سطح معاونت، چه در سطح مدیریت‌های میانی؛ خب چرا این حرف‌ها به آنها منتقل نمی‌شود؟ همان برادراتی که اینجا می‌ایستاند و مثل شما نظراتی را می‌دادند، امروز در بدنه‌های مدیریتی کشور [حضور دارند]، هنوز هم جوان هستند، سالخورده و میانسال هم نشده‌اند، مثل خود شما جوانند؛ چرا اینها به هم متصل نمی‌شود، یک زنجیره‌ای به وجود نمی‌آید و این حرف‌ها منتقل نمی‌شود؟ در دستگاه‌های مختلف کشور، برای این کار فکر کنید. حالا مثلا بحث خودرو مطرح شد؛ الان در وزارت صمت تعداد زیادی جوان‌های فعال نخبه حضور دارند، بحث خودرو را آنجا مطرح کنید، بحث مهمی هم هست، یا از بحث‌های دیگری که اینجا شد، مساله مناطق محروم بود. خب دولت یک بخش ویژه‌ای را برای مناطق محروم در نظر گرفته؛ آنجا عده‌ای جوان هستند؛ حتی به نظم تعدادی دانشجو که هنوز دانشجو هستند، آنجا فعالند؛ خب مطرح کنید اینها را با آنها، دنبال کنید؛ صرف این نباشد که حالا یک سخنرانی‌ای اینجا انجام بگیرد. البته نظرات، نظرات خیلی خوبی بود و ما ان‌شاء الله ترتیب اثر می‌دهیم - من می‌گویم دنبال کنید اینها را و دنبال می‌کنیم؛ خود من هم شاید با رئیس‌جمهور محترم در میان بگذارم بعضی از این مطالب را - لکن به نظم شماها یک مقداری در این زمینه‌ها عملیاتی تر وارد بشوید.

درباره مساله نخبگی و نخبگان و پیشرفت علمی، بنده دو سه نکته را یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم. نکته اول این است که حرکت علمی از حدود دو دهه پیش یا یک‌خرده بیشتر در کشور شروع شد، شروع خوبی هم داشت؛ یعنی یک حرکتی ایجاد کرد، دو سه شعار در محیط‌های دانشجویی و دانشگاهی مطرح شد [از قبیل] «عبور از مرزهای علمی کشور» و «حرکت نرم افزاری» که این چند شعاری که آن روزها آنجا مطرح شد، کاملاً اثر گذاشت؛ یعنی یک تحرک و یک جوششی در محیط‌های دانشگاهی به وجود آمد و خوشبختانه ادامه هم پیدا کرد؛ یعنی یک چیزی که زود بجوشد و خاموش بشود نبود. ادامه پیدا کرد. در واقع، یک حرکت جهشی از لحاظ علمی در کشور شروع شد؛ این یک واقعیتی است. بعد از آنکه مساله پیشرفت علمی و حرکت در مرزهای دانش و چند شعار در بین دستگاه‌های دانشگاهی مطرح شد، یک حرکت جهشی واقعا شروع شد، به طوری که مراکز داوری علمی در زمینه مسائل علمی، آن روز گفتند که سرعت رشد علمی کشور ۱۳ برابر یا ۱۲ برابر متوسط سرعت رشد جهانی است؛ خب این مساله خیلی مهمی است؛ این اتفاق افتاد. بنده همان وقت‌ها - یعنی چندسال قبل از این - در چند جلسه علمی و دانشگاهی و مانند اینها یک مطلبی را بیان کردم و آن، این بود که گفتم این جوری گفته می‌شود که سرعت رشد [علمی] ما زیاد است، اما به این مغرور نشویم، ما به این غره نشویم که حالا سرعت رشد‌مان این قدر زیاد است؛ برای خاطر اینکه با وجود این سرعت رشد، ما هنوز در دانش عقیمیم؛ ما نسبت به دنیا علم، از لحاظ علمی عقیمیم. این «عقب بودن» را البته من در مواردی تشریح کردم، و دیگر نمی‌توانم تکرار کنم یا بگویم. ما عقیمیم، علت این عقب بودن هم این است که در یک دوران طولانی‌ای، در زمان حکومت طاغوت و سلاطین ظالم و خودکامه - چه پهلوی‌ها، چه قاجاری‌ها - این کشوری که آن سابقه علمی و فرهنگی را دارد، در قعر جدول رتبه‌بندی علمی دنیا قرار داشته، هیچ چیز نداشته، هیچ چیز نبوده.

من حالا امروز این را می‌خواهم بگویم؛ من می‌خواهم بگویم که ما برای ورود به یک فصل تازه‌ای از تحرک علمی باید خودمان را آماده کنیم؛ یعنی درست است که جهش علمی انجام گرفته، حرکت علمی خوب بوده، در یک جاها هستی رتبه‌های بالایی علمی پیدا کرده‌ام، رتبه علمی‌مان در دنیا رتبه نسبتاً خوبی است - اینها هست - اما امروز ما احتیاج داریم به یک حرکت مبتکرانه‌ای از سوی دستگاه‌های علمی کشور تا عقب نیفتیم. ما حرکت کردیم، اما دیگران هم حرکت کردند؛ حتی عده‌ای از کشورهای منطقه با مشاهده پیشرفت ایران تشویق شدند به حرکت کردن، درحالی‌که عقب بودند؛ امروز ما به آمارها که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم اینها خیلی جلو آمده‌اند. بیم آن وجود دارد که ما از مسابقه علمی دنیا عقب بمانیم؛ جدا این بیم وجود دارد. می‌دانید و بارها بنده گفته‌ام که «العیلمُ سُلطان»؛ علم قدرت است. اگر بخواهیم کشور را آسیب‌های متعارف کشورهای دنیا مصون و برکنار بماند، در درجه اول، یک کار مهم پیشرفت علمی است؛ اگر عقب ماندیم، آسیب‌پذیر خواهیم شد؛ باید تلاش کنیم عقب نمانیم. این تلاش‌هایی که می‌گویم برای عقب نماندن باید بکنیم، اولاً شامل سرمایه‌گذاری مادی است؛ یعنی دولت در زمینه مسائل علمی و پیشرفت علمی سرمایه‌گذاری کند - که بارها گفته‌ایم این هزینه نیست؛ این سرمایه‌گذاری، در واقع زمینه‌سازی برای درآمد چندین برابر، درآمد مضاعف و به توان چند است - و همچنین وادار کنیم و زمینه‌سازی کنیم که بخش خصوصی در زمینه علمی سرمایه‌گذاری کند. پس هم سرمایه‌گذاری مادی لازم است، هم سرمایه‌گذاری از نوع نوآوری‌های علمی؛ یعنی محیط‌های علمی تلاش کنند [برای] ابتکار، نوآوری و جستجوی راه‌های میان‌بر. همت را باید روی این بگذاریم؛ یک سرمایه‌گذاری دوجانبه‌ای، هم مادی و هم معنوی، لازم است. بنابراین، حرف اول من این است که جامعه علمی کشور، نخبگان کشور، امروز احتیاج دارند به یک حرکت جدید، به یک خیز جدید؛ این خیز جدید بایستی با استفاده از همراهی این دولت و همکاری مسئولان جوانی که درون بدنه دولت حضور دارند و همت خود